

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر
۲۵ اکتوبر ۲۰۱۴

اسید پاشی بر چهره زنان در اصفهان، تلاشی برای تشدید اختناق در کل جامعه!



در آخرین روز مهرماه [میزان]، در اعتراض به چندین مورد اسید پاشی به چهره زنان در اصفهان که منجر به نقص عضو وحشتناک و غیر قابل ترمیم چند تن از زنان بی گناه و مرگ دو تن از آن ها گشته، هزاران تن از مردم دلیر اصفهان مبادرت به تجمعات اعتراضی در مقابل استانداری این شهر نمودند. هم چنین در تهران در اعتراض به این جنایت وحشتناک، زنان و مردان مبارز در جلوی مجلس شورای اسلامی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات پس از آن اتفاق افتاد که طرف یک هفته اخیر در جریان یک سری حملات سیستماتیک جنایتکارانه از طرف تبهکاران موتور سوار اسید پاش، ۱۴ تن از زنان اصفهانی یا در ماشین های خود و یا در خیابان ها مورد تعرض با اسید قرار گرفته و به شدت مجروح شدند.

زنان و مردان خشمگین چه در اصفهان و چه در تهران که آمران جنایت فاجعه بار اسید پاشی که جز رژیم سرپا ننگ و جنایت جمهوری اسلامی نیست را به خوبی می شناسند، تعلل و واکنش های آگاهانه مقامات دولت روحانی در عدم پیگیری این جنایات ننگین را به عاملی برای اعتراضات خیابانی خود تبدیل کرده و با شعارهایی نظیر "مرگ بر داعش"، "این سکوت، حمایت از داعش است"، "امنیت، آزادی، حق مسلم ماست"، "اسید پاشی جنایت، قانونگذار حمایت"، "حجاب به زور نمی شه، ایران، عراق نمی شه"، "زاینده رود خشک شده، اسید پاشی مد شده"، "ننگ ماست ننگ ماست، مجلس شورای ما"، "دادستان حیا کن، صندلیتو رها کن"، "مادرم، انتقام تو را خواهیم گرفت"، "قتل های زنجیره ئی، مساوی اسید پاشی زنجیره ئی"، "آزادی، امنیت، حق زن ایرانی" و ... نفرت خویش را از داعش سی و پنج ساله حاکم بر ایران ابراز نمودند. در جریان این اعتراضات آن ها کوشیدند تا با تبدیل تجمع به یک راهپیمایی، این تظاهرات ضد حکومتی را به یک حرکت هر چه گسترده تر گسترش دهند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم که سرکوب، عمده ترین عامل بقای اوست، وحشیانه به صفوف معترضان حمله برده و با ضرب و شتم تظاهر کنندگان، تعدادی از آن ها را نیز دستگیر کردند.

به دنبال این اعتراضات که بیانگر عمق خشم و نفرت توده ها نسبت به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و شرایط اسارتبار و طاقت فرسائی است که این رژیم مدافع و حامی سرمایه داران بر جامعه تحت سلطه ما حاکم کرده است، مقامات حيله گر جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری به صحنه آمده و با دستپاچگی کوشیده اند تا با زبان بازی و

ظاهراً اعلام همدردی با مردم، نقش جمهوری اسلامی در این جنایت سیستماتیک (که در اذهان عمومی یاد آور پرونده "قتل های زنجیره ئی" دهه ۷۰ است) را لاپوشانی کنند و رژیم تبهکار و سرکوبگر حاکم را از این جنایات مبری نشان دهند. البته آنان تا کنون سخنان ضد و نقیضی را به مردم تحویل داده اند: ابتداء با بیشمرمی تمام ادعا کردند که اسید پاشی های اصفهان، اقدام "یک نفر" بوده که با انگیزه "اختلاف شخصی" صورت گرفته است؛ و گویا این جنایات، کاری "سازمان یافته و گروهی" نبوده و از طرف "هیچ گروه خاصی" هم صورت نگرفته و این رسانه ها هستند که در پخش اخبار این جنایات "بزرگ نمائی" کرده اند و مردم نباید این "شایعات" از سوی "رسانه های خارجی" را "باور" کنند! (از اظهارات معاون سیاسی - امنیتی استان اصفهان، رسول یاحی و معاون انتظامی وزیر کشور پاسدار حسین ذوالفقاری). اما، با مشاهده عمق نفرت و خشم مردم و به ویژه زنان، مقامات دیگری از حکومت جلو آمده و "اسید پاشان را با سرویس های اطلاعاتی (خارجی) در ارتباط" دانستند. (عضو کمیسیون امنیت ملی، عباسعلی منصوری ارانی). همه این مزدوران حکومتی در جریان اظهار نظر های خود هم چنین راجع به "جو ملتهب جامعه" هشدار داده و تظاهر کنندگان را "تهدید" کردند که با تجمعات اعتراضی فضای جامعه را "ملتهب" نسازند. این دروغ های آشکار و تناقض گویی های باطل در شرایطی ست که همه می دانند مدت کوتاهی قبل از این جنایات، جمهوری اسلامی غرقه در بحران و هراسناک از انفجار دوباره خشم توده ها، در صدد تشدید تعرض سرکوبگرانه جدیدی علیه زنان و به این اعتبار، کل آحاد جامعه بر آمده بود.

همه می دانند که دست اندرکاران رژیم اخیراً در صدد تصویب طرح های مربوط به ایجاد محدودیت در اشتغال زنان و یک طرح ضد خلقی دیگر در مجلس دست ساز خود زیر عنوان "قانونی کردن امر به معروف و نهی از منکر"، بودند. آن ها از این طریق می کوشیدند تا اقدامات ردیالانه ای نظیر اسید پاشی های جنایتکارانه مزدوران حزب الله و لباس شخصی های وزارت اطلاعاتی شان بر سر و صورت زنان را با ادعای مبارزه با بی حجابی "قانونی" سازند. درست در پی طرح چنین "قانونی" در مجلس بود که امام جمعه تبهکار اصفهان در اجرای پیشاپیش "قانون امر به معروف و نهی از منکر"، ضمن اخطار به زنان مقاوم اصفهان و تشجیع مزدوران حکومتی مطرح کرده بود که برای "رعایت حجاب" (بخوان سرکوب زنان) باید "چوب تر بالا برود" و از "قوه قهریه" استفاده شود! که این امر خود افشاءگر ادعاهای ریاکارانه جمهوری اسلامی در عدم داشتن هیچ گونه نقشی در اسیدپاشی به زنان می باشد.

علاوه بر نشانه های آشکار فوق الذکر که دستان کثیف و جنایتکار جمهوری اسلامی را در ارتکاب به جنایت اخیر در اصفهان بر ملا می سازد، تا آن جا که به اسید پاشی های سیستماتیک اخیر باز می گردد، تمامی شواهد موجود (از جمله فاصله زمانی بین حملات، اعلام رسمی این امر که نوع اسید به کار رفته در این حملات مشترک بوده، عدم تلاش مهاجمان حتی برای پنهان کردن چهره های کثیفشان هنگام حمله به قربانیان و این واقعیت که برخی از قربانیان در زمان تعرض تمامی مقررات ضد خلقی مربوط به حجاب را نیز رعایت کرده بودند) همه و همه نشان می دهند که "اسید پاشی های سریالی"، نه یک اقدام فردی و انتقام جویانه و یا یک جنایت معمولی، بلکه گامی از یک پروژه ضد خلقی جدید می باشد که از سوی نهادهای قدرت و با پشتیبانی آنان برای تعرضی هر چه وحشیانه تر نه صرفاً به زنان بلکه به اعتبار زنان به مثابه نیمی از آحاد جامعه، به منظور سرکوب کل جامعه تحت سلطه ما سازمان یافته است. اتفاقاً مردم هشیار ایران این را در تجربه ۳۵ ساله خود از سلطه دیکتاتوری رژیم حاکم در یافته اند که هر زمان که این رژیم وابسته به امپریالیسم قصد تشدید سرکوب کل آحاد جامعه را داشته است، این کار را از زنان و به نام آنان شروع کرده است. به راستی که چه درست گفته شده که "سرکوب زنان، سرکوب جامعه است"؛ و بیهوده نیست که مردان مبارز در جریان تظاهرات اصفهان و تهران در کنار زنان مبارز قرار داشته و با خشم و نفرتی فزاینده، فریاد اعتراض خود را علیه اقدام جنایتکارانه اخیر ابراز می کردند.

جنايات سيستماتيک اخير عليه زنان در شرايطي اتفاق مي افتد که سرمايه داران زالو صفت داخلي و خارجي حاکم بر ايران ، هم چنان با یک بحران شديد اقتصادي دست و پنجه نرم مي کنند. بحراني که کمر توده ها را در زير بار خويش خم کرده و از سوي ديگر کارگران و توده هاي ستمديده و به ويژه ميليون ها تن از زنان کارگر و محروم (اين نخستين قربانيان بحران اقتصادي) را هر چه بيشتر به عرصه اعتصاب و اعتراض و مبارزه براي حفظ بقاي خود در زير پنجه هاي خونين نظام استثمارگرانه حاکم کشيده است. جو جامعه تحت سلطه ما با شواهد آشکار ناشي از احتمال وقوع اعتراضات گسترده و شورش هاي اجتماعي روبه روست. در چنين بستري است که جمهوري ننگ و نفرت و دار و شکنجه جمهوري اسلامي، مرعوب ساختن توده ها با هدف سرکوب و مختنق ساختن فضاي جامعه جهت تسهيل کنترول توده ها را در دستور کار خود قرار داده است. "اسيد پاشي سريالي" اخير در اصفهان نشان مي دهد که سرمداران رژيم تبهکار جمهوري اسلامي در ارتکاب به دنائت و قساوت ، مي کوشد گوي سبقت را از فرزندان خلف خود يعني دار و دسته هائي نظير "داعش" و "طالبان" نيز بربايد.

تلاش ضد انقلابي حکومت عليه زنان تحت ستم ما با مقاومت زنان و مردان مبارز و با نفرت عمومي کل جامعه روبه رو شده است. تظاهرات تهران و اصفهان و خشمي که به اشکال مختلف در کل جامعه ملتهب ما عليه رژيم جمهوري اسلامي زبانه مي کشد، نشانه هاي تداوم مقاومت به حقي ست که پيمودن مسير آن سرانجام دير يا زود لاشه داعشيان مزدور حاکم بر جامعه ما را در جريان یک انقلاب اجتماعي به رهبري طبقه کارگر به زباله دان تاريخ خواهد انداخت.

مرگ بر رژيم زن ستيز جمهوري اسلامي!

زننده باد انقلاب!

چريکهاي فدائي خلق ايران

اول آبان | عقرب | ۱۳۹۳